کیهان

دوشنبه اول اردیبهشت ۱۴۰۴ □ ۲۲ شوال ۱۴۴۶ □ ۲۱ آوریل ۲۰۲۵ □ شماره ۲۳۸۳۸

صفحه آخر

اذان ظهر: ۱۲/۰۳، اذان مغرب: ۱۹/۰۱، نیمه‌شب شرعی: ۲۳/۱۸، اذان صبح(فردا): ۳/۵۲، طلوع آفتاب(فردا): ۵/۲۳

درگیری‌های خونین مرکز نیجریه جان ده‌ها نفر را گرفت

مقام‌های نیجریه اعلام کردند که در حمله افراد مسلح در ایالت مرکزی «بنوئه» دست‌کم ۵۶ تن کشته شدند.

درگیری‌ها در مناطق مختلف نیجریه بین شبه‌نظامیان مسلح و دولت مرکزی همچنان ادامه دارد و در جدیدترین درگیری‌ها که از دوشنبه هفته گذشته در روستاهای منطقه «لوگو» و «ناحیه محلی اوکوم» در استان «بنوئه» در مرکز نیجریه شروع شده است دست‌کم ۵۶ تن کشته شده‌اند. پلیس نیجریه در این خصوص گفت: حادثه زمانی رخ داد که یک گروه از گله‌داران ۵ کشاورز را در در ایالت بنوئه هدف تیراندازی قرار داده و کشتند و سپس درگیری‌های وسیع‌تر آغاز شد. به گزارش ایرنا به نقل از رویترز درگیری‌ها و حملات افراد مسلح در بنوئه از سال ۲۰۱۹ تاکنون منجر به مرگ بیش از ۵۰۰ تن شده و ۲.۲ میلیون نفر را نیز آواره کرده است. گفتنی است نیجریه با شبه‌نظامیان جنایتکار در شمال‌غرب و شعله‌ور شدن خشونت‌های قومی و قبیله‌ای در ایالات مرکزی دست‌وپنجه نرم می‌کند و آدم‌ربایی یک مشکل بزرگ در سرتاسر این کشور است.

جنجال دعوای لفظی سیاستمدار لبنانی با فرستاده ویژه آمریکا

تنش‌های دیپلماتیک میان لبنان و آمریکا به تبادل کلمات توهین‌آمیز میان مقام ارشد آمریکایی و سیاستمدار لبنانی در فضای مجازی کشیده شد.

آمریکایی‌ها گاهی بیش از حد معمول وقیح می‌شوند، تا جایی که به کشوری می‌روند و در همان جا به مردم و سیاستمداران و... همان کشور توهین می‌کنند! «ولید جنبلاط»، سیاستمدار لبنانی و رهبر سابق «حزب سوسیالیست ترقی‌خواه» در لبنان، شنبه، در واکنش به توهین «مورگان اورتگاس»، فرستاده ویژه آمریکا، با انتشار تصویری از اسکلت یک سرباز آمریکایی در شبکه «ایکس» نوشت: «آمریکایی زشت!» این واکنش پس از آن بود که فرستاده آمریکا با توهین و تمسخر ولید جنبلاط، گفته بود: «ولید، مواد مخدر ضرر دارد!» آن‌طور که «فارس» نوشته است، اورتگاس بعد از مصاحبه جنبلاط با شبکه «العربیه» این پاسخ اهانت‌آمیز را خطاب به او نوشته بود. چراکه این سیاستمدار لبنانی در این مصاحبه عنوان کرده بود شرط اورتگاس برای ریشه‌کن کردن حزب‌الله و خلع سلاح آن محال است.

تظاهرات سراسری در ۷۰۰ نقطه آمریکا علیه دولت پلیسی ترامپ

سرویس خارجی-

ده‌ها هزار تن از مردم آمریکا در ۷۰۰ نقطه از این کشور بار دیگر علیه دولت پلیسی و استبدادی ترامپ به خیابان‌ها آمدند.

سیاست‌های ترامپ در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و امنیتی مثل جنگ تعرفه‌ای علیه ۱۸۰ کشور جهان، آغاز طرح اخراج بیش از یک میلیون مهاجر، اخراج و تعدیل ده‌ها هزار تن از کارمندان دولت فدرال، اخراج دانشجویان به بهانه حمایت از فلسطین، تداوم کمک‌های نظامی به رژیم صهیونیستی، دور زدن قوانین، زیر پاگذاشتن قانون اساسی آمریکا و سیاست‌های استبدادی بسیاری را در داخل و خارج آمریکا عاصی کرده است. بسیاری از جمهوری‌خواهان نیز زبان به اعتراض گشوده و بر این باور هستند که ترامپ با این سیاست‌ها پایگاه حزب جمهوری‌خواه را تضعیف می‌کند. این روزها خیابان‌های شهرهای مختلف آمریکا نیز صحنه اعتراضات گسترده ضدسیاست‌های ترامپ شده است. روز شنبه نیز ده‌ها هزار تن از مردم آمریکا در ۷۰۰ نقطه از این کشور به خیابان‌ها ریختند و شعار دادند «ما شاه نمی‌خواهیم» و خواستار «مقاومت در برابر استبداد» ترامپ شدند. معترضان همچنین به اخراج مهاجران بدون مدرک توسط ترامپ اعتراض کرده و شعار می‌دادند: «اینجا از مهاجران استقبال می‌شود». دولت ترامپ با استفاده از ارتش موج گسترده اخراج مهاجران را کلید زده است که به گفته منتقدین بسیاری از قوانین داخلی آمریکا را با این اقدام زیر پاگذاشته است. معترضان در شهر واشنگتن نیز نسبت به عملکرد ترامپ که آن را تهدیدی علیه قانون اساسی آمریکا می‌دانند، تظاهرات کردند. یکی از معترضان که در تجمع مقابل کاخ‌سفید حاضر شده بود، گفت که دولت ترامپ «مستقیما به حاکمیت قانون و لزوم خودداری دولت از سوءاستفاده از ساکنان آمریکا حمله می‌کند» این معترض چفیه پوشیده و پلاکاردی در دست داشت که خواستار آزادی «محمود خلیل» دانشجوی حامی فلسطین شده بود. خلیل به دلیل شرکت در تظاهرات ضداسرائیل در آستانه اخراج از آمریکا قرار گرفته است. یک معترض در نیویورک با بیان اینکه «ما در خطر بزرگی قرار داریم» گفت: ترامپ بسیار احمق‌تر از هیتلر و بقیه فاشیست‌هاست. معترضان در سان‌فرانسیسکو نیز خواستار استیضاح و برکناری ترامپ شدند. دو هفته پیش نیز صدها هزار آمریکایی در ۵۰ ایالت این کشور علیه علیه سیاست‌های ترامپ تظاهرات کردند.

انتقاد کم‌سابقه رؤسای جمهور آمریکا از ترامپ

همزمان با تظاهرات سراسری در آمریکا علیه سیاست‌های ترامپ سه رئیس‌جمهور پیشین آمریکا نیز، در اقدامی نادر، با هشدار نسبت به رویکردهای دونالد ترامپ اعلام کردند که هنجارهای دموکراتیک در آمریکا در خطر قرار گرفته و شهروندان باید برای دفاع از ارزش‌های بنیادین وارد عمل شوند. «واشنگتن پست» در گزارش خود با اشاره به انتقادهای علنی سه رئیس‌جمهور پیشین آمریکا علیه «دونالد ترامپ»، این اقدام را بی‌سابقه و نشان‌دهنده عمق خطری دانست که این رهبران پیشین آمریکا احساس می‌کنند. به گزارش ایرنا به نقل از «واشنگتن پست»، در یک دوره کم‌سابقه در کمتر از سه هفته، سه رئیس‌جمهور پیشین آمریکا به صحنه عمومی آمدند تا درباره اقدامات ترامپ هشدار دهند؛ اقدامی که خلاف سنت دیرینه رؤسای‌جمهور آمریکا است. در آمریکا، رؤسای‌جمهور پیشین معمولا از انتقاد علنی از جانشینان خود خودداری می‌کنند.

بر اساس این گزارش «باراک اوباما» مردم آمریکا را به ایستادگی در برابر زورگویی ترامپ فراخواند. «جو بایدن» هشدار داد که ترامپ در حال نابودی «وعده مقدس» تأمین اجتماعی است و «بیل کلینتون» نیز بر خطر تمرکز بر کینه‌توزی و سلطه‌جویی‌های ترامپ تأکید کرد. واشنگتن پست می‌افزاید: اگرچه این سه دموکرات نام ترامپ را مستقیماً نبردند، اما پیامشان آشکار بود: این دوران برای دموکراسی آمریکا غیرعادی است، هنجارها نادیده گرفته شده‌اند و اقدامات فوق‌العاده‌ای لازم است. تنها رئیس‌جمهور زنده‌ای که از زمان آغاز دوره ترامپ سکوت کرده، «جرج بوش» پسر است که جمهوری‌خواه است، اما خصومت او با ترامپ نیز بر کسی پوشیده نیست.طی روزهای گسترده سران حزب جمهوری‌خواه نیز با ابراز نگرانی از سیاست‌های دولت ترامپ اعلام کردند ممکن است جنگ تعرفه‌ای ترامپ به شکست جمهوری‌خواهان در انتخابات آتی کنگره منجر شود، نگرانی که البته از سوی استراتژیست‌های حزب جمهوری‌خواه نیز طی روزهای گذشته بیان شده است.

ناامنی غذایی گسترده در آمریکا

گزارش‌ها همچنین از ناامنی غذایی گسترده در آمریکا حکایت دارد یک رسانه آمریکایی در این زمینه نوشته است: بانک‌های غذا در این کشور با بحران قریب‌الوقوع در سایه طرح‌های دونالد ترامپ برای تغییر در مزایای برنامه کمک غذایی مکمل (SNAP) مواجه هستند. به گزارش ایرنا نیوزویک با انتشار این خبر نوشته است: به دلیل همه‌گیری کرونا، بانک‌های غذایی تاکنون با افزایش تقاضا به دلیل افزایش هزینه‌های معاش مواجه بوده‌اند. به‌رغم پایین بودن میزان اشتغال، تورم از افزایش دستمزدها پیشی گرفته و قیمت مواد غذایی طی پنج سال تقریباً ۲۸ درصد افزایش یافته و به بودجه خانوارها فشار وارد کرده است.

این گزارش می‌افزاید: بانک‌های غذا در آمریکا که در سال ۲۰۲۳ میلادی به تقریبا ۵۰ میلیون نفر کمک کرد، اکنون با چالش جدیدی مواجه هستند. برنامه کمک غذایی مکمل یا (SNAP) با تغییراتی در دولت کنونی آمریکا مواجه است که شامل محدودیت در خرید با استفاده از مزایای ضدفقر و کاهش قریب‌الوقوع بودجه به دستور کنگره است که همچنین می‌تواند تعداد افرادی را که برای تغذیه خود و خانواده‌شان به کمک‌های خیریه متکی هستند، افزایش دهد.

نیوزویک می‌افزاید: (SNAP)که با نام «کوپن غذا» نیز شناخته می‌شود، در سراسر آمریکا برای حمایت از خرید خواربار توسط خانواده‌های کم‌درآمد و بدون درآمد ارائه می‌شود. در سال ۲۰۲۳، این برنامه به طور متوسط به ۴۲.۱ میلیون نفر در ماه یا حدود ۱۲.۶ درصد از جمعیت کمک کرد. انتظار می‌رود که برای سال مالی ۲۰۲۵، دریافت‌کنندگان (SNAP) به طور متوسط ۱۸۷ دلار در ماه به ازای هر نفر دریافت کنند که معادل ۶.۱۶ دلار در روز است.طرح جدید جمهوری‌خواهان برای کاهش بودجه به طور مستقیم به برنامه (SNAP) اشاره ندارد اما به کمیته کشاورزی مجلس نمایندگان آمریکا که نظارت بر این برنامه را برعهده دارد دستور می‌دهد ۲۳۰ میلیارد دلار از بودجه خود را در یک دهه آینده کاهش دهد که انتظار می‌رود بخش عمده آن از بخش برنامه (SNAP) باشد.

نیوزویک در پایان گزارش خود آورده است: بانک‌های غذایی در شرایطی که گرسنگی در سراسر آمریکا در سطحی نگران‌کننده است، زنگ هشدار را به صدا در آورده‌اند. بر اساس آمار مرکز «تحقیقات غذا و اقدام» حدود ۴۷.۴ میلیون نفر از خانوارهای آمریکایی در سال گذشته (۲۰۲۴) با ناامنی غذا مواجه بودند که در مقایسه با سال ۲۰۲۲ میلادی ۳.۲ میلیون نفر و در مقایسه با سال ۲۰۲۱ میلادی ۱۳.۵ میلیون نفر افزایش نشان می‌داد. به نوشته پولیتیکو آمار سال ۲۰۲۴ در دسترس نیست.

بوئینگ زمینگیر شد

خبر دیگر این که در حالی که بوئینگ تلاش می‌کند از زیر سایه بحران‌های فنی و توقف طولانی‌مدت صادرات هواپیماهای ۷۳۷ مکس بیرون برود، موج جدید تعرفه‌ها و تنش‌های تجاری باعث شد نتواند هواپیمایش را به شرکت چینی تحویل دهد.

به گزارش فارس به نقل از رسانه‌های آمریکایی پرفروش‌ترین مدل هواپیمای شرکت آمریکایی بوئینگ یعنی جت ۷۳۷مکس که قرار بود به شرکت هواپیمایی شیامن چین تحویل داده شود، قربانی جنگ تعرفه‌ای دولت کشورش شد و بعد از ترک چین، در فرودگاه بوئینگ در سیاتل به زمین نشست. این جت، یکی از چند جت ۷۳۷مکس بود که در مرکز تکمیل بوئینگ در ژوشان چین، منتظر کار نهائی و تحویل به شرکت هواپیمایی چینی بود. تحلیل‌گران می‌گویند سردرگمی در مورد تعرفه‌ها ممکن است باعث شود که بسیاری از تحویل‌های بوئینگ در حالت بلاتکلیفی باقی بمانند و برخی از مدیران شرکت‌های هواپیمایی گفته‌اند که ترجیح می‌دهند دریافت هواپیماها را به تعویق بیندازند تا اینکه هزینه‌های گمرکی سرسام‌آور بپردازند.

تظاهرات علیه نسل‌کُشی در غزه از کره جنوبی و انگلیس تا سوئد و فرانسه

از کره‌جنوبی و مراکش تا انگلیس، سوئد، آمریکا، کانادا و فرانسه، مردم همچنان با برپایی تجمعات خیابانی نفرت خود از رژیم صهیونیستی و حمایت‌های آمریکا از این رژیمِ منحوس را به نمایش جهانیان می‌گذارند. «نسل‌کُشی در غزه را متوقف کنید» شعار مشترک همه این معترضان است.

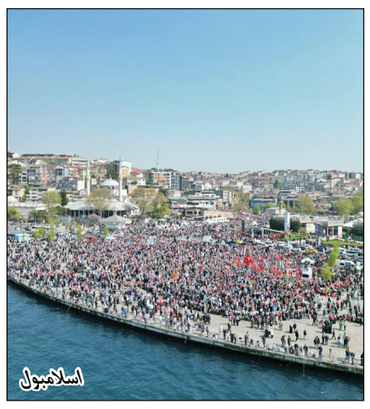

مردم بسیاری از کشورها بر خلاف رهبرانشان، یک روز هم ملت مظلوم غزه را فراموش نکرده‌اند و با برپایی تجمعات و نمایش‌های خیابانی، اولاً تلاش می‌کنند، صهیونیست‌ها را تحت فشار قرار داده و جلوی نسل‌کشی آنها را غزه بگیرند، ثانیاً اعلام کنند، چرا رژیم صهیونیستی همیشه و در طول تاریخ منفور بوده است. نکته جالب این که، بیشتر این اعتراض‌ها در کشورهایی برگزار می‌شود که رهبرانشان، از حامیان رژیم صهیونیستی‌اند. این حمایت یا سیاسی و اقتصادی است یا نظامی و تسلیحاتی و اطلاعاتی...

کانادا، سوئد، مراکش، آمریکا، انگلیس، کره‌جنوبی و فرانسه از جمله این کشورها هستند که با وجود گذشت نزدیک به ۱۸ ماه از تجاوزات رژیم صهیونیستی و آمریکا به غزه، خسته نشده‌اند و علیه رژیم صهیونیستی شعار می‌دهند. لیدز، منچستر، پاریس، سئول، استکهلم، ویکتوریا، نیویورک و... از جمله شهرهایی هستند که طی دیروز و پریروز شاهد اعتراض‌های خیابانی ضدصهیونیستی بود. مردم با بر تن کردن کفن‌های خونین، بر سر کردن چفیه‌های فلسطینی و حمل عروسک‌های خونین به نشانه کودکان فلسطینی، با آنها ابراز همدردی می‌کنند.

خیانت بزرگ اردن

در مقابل رهبران برخی کشورهای عربی و مثلاً اسلامی، در حال کمک به صهیونیست‌ها برای نسل‌کشی در غزه‌اند! اردن یکی از این کشورهاست.

به گزارش فارس خبرگزاری فلسطینی شهاب به نقل از منابع آگاه از همکاری امنیتی عالی‌رتبه و بی‌سابقه میان دستگاه شاباک و دستگاه‌های امنیتی اردن خبر داد که منجر به بازداشت گروهی شد که حامی مقاومت فلسطین در امان، پایتخت اردن بود. منابع افزودند که این همکاری عالی‌رتبه میان اردن و شاباک منجر به انحلال گروهی شد که به ارائه حمایت مستقیم یا لجستیک به مقاومت فلسطین متهم شده است. ناظران بر این باورند که این تحول امنیتی نشانگر مرحله جدیدی از همکاری بی‌سابقه میان امان و دستگاه‌های رژیم صهیونیستی همچنین با هماهنگی تشکیلات خودگردان فلسطین است. هفته گذشته مسئولان اردنی اعلام کردند که «توطئه‌ای علیه امنیت این کشور» را از سوی ۱۶ عضو که گفته می‌شود از اعضای اخوان‌المسلمین هستند، ناکام گذاشتند. این گروه به ظن ساخت موشک و در اختیار داشتن مواد منفجره بازداشت شدند. طبق ادعای دولت اردن، اگر این طرح ادامه می‌یافت امکان ساخت ۳۰۰ موشک وجود داشت که برد آنها بین ۳ الی ۵ کیلومتر بود که «تهدیدی را علیه مواضع در داخل اردن ایجاد می‌کرد». طبق اطلاعات منتشر شده، شناسایی این گروه در پی ارائه اطلاعاتی از سوی شاباک به اردن در فوریه ۲۰۲۵ صورت گرفته است.منابع آگاه تصریح کردند، طی ماه‌های گذشته، تحقیقاتی از این گروه با هماهنگی با شاباک که در اطلاعات اولیه مشارکت داشت، صورت گرفت و نشست حضوری درخصوص آن میان تعدادی از افسران امنیتی اردنی و اسرائیلی برگزار شد.

بمباران هر روزه یمن از سوی آمریکا شورای دفاع ملی انصارالله برای پاسخ تشکیل جلسه داد

سرویس خارجی-

آمریکا در تداوم حملات خود به مناطق مختلف یمن این بار طی سلسله حملاتی، صنعا را هدف قرار داده است. همزمان خبر از تشکیل جلسه شورای دفاع ملی یمن در مورد تجاوز نظامی آمریکا به این کشور به گوش می‌رسد.

تشدید حملات نظامی آمریکا به یمن در کنار واکنش‌های سازمان‌یافته‌ای که از سوی صنعاء و نهادهای دفاعی انصارالله مشاهده می‌شود، نشان از گذار جنگ به مرحله‌ای تازه و عمیق‌تر دارد؛ مرحله‌ای که دیگر صرفاً معادله قدرت‌نمایی هوائی یا تحمیل ارعاب نظامی نیست، بلکه شکلی تمام‌عیار از نبرد در برابر دیدگان جامعه جهانی است. یمن امروز دیگر صرفاً یک «هدف بمباران» نیست، بلکه به کنشگری فعال بدل شده که هر روز مقاومتش در برابر «اَبَر قدرت»، سندی برای اثبات ظهور قدرت جوانی در منطقه است. این روند همچنین آزمونی بزرگ برای قدرت بازدارندگی آمریکا در منطقه محسوب می‌شود؛ آنچه واشنگتن سال‌ها با زرادخانه‌های پیشرفته‌اش در پی تثبیتش بود، اکنون زیر باران پهپادها، موشک‌ها و استقامت مردمی در حال فروپاشی است.

قرائن و شواهد حاکی از آن است که جنگ یمن و آمریکا به سمت تشدید شدنِ بیش از پیش حرکت می‌کند و حتی روزنه‌ای هم از کم‌شدن این تنش‌ها مشاهده نمی‌شود. جنگنده‌های آمریکا روز شنبه باز هم طی حملاتی صنعا را هدف قرار دادند. در مجموع، هواپیماهای جنگی آمریکایی، شنبه شب و بامداد دیروز، بیش از ۳۸ حمله هوائی به استان‌های صنعاء، مأرب، عمران و حدیده انجام داده‌اند که ۲۰ مورد این حملات به مناطق مختلف صنعا، پایتخت یمن، بوده است. به گفته منابع محلی، در حملات هوائی آمریکا به استان‌های صنعاء، عمران و مأرب، تاکنون ۳ نفر شهید و ۴ نفر زخمی شدند. از طرف دیگر، خبر می‌رسد که جلسه شورای دفاع ملی یمن به ریاست «مهدی المشاط»، رئیس شورای عالی سیاسی این کشور، روز یکشنبه، برگزار شد.

شبکه خبری «المسیره» یمن گزارش داد که در این جلسه آخرین تحولات و تجاوزات آمریکا به این کشور مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

نشت مواد سمی به دریای سرخ

خبر دیگر آنکه وزارت کشاورزی یمن با صدور بیانیه‌ای نسبت به خطرات زیست محیطی ناشی از حملات وحشیانه آمریکا علیه بندر رأس‌عیسی واقع در استان الحدیده هشدار داد. به گزارش «مهر» به نقل از «المعلومه»، در این بیانیه آمده است: «بمباران مذکور باعث نابودی انبارها و نشت مواد نفتی و سمی به آب دریای سرخ شده است. این مسئله می‌تواند به یک فاجعه زیست محیطی بیانجامد. موجودات دریایی با نشت این مواد سمی در معرض خطر قرار گرفته‌اند؛ این موجودات دریایی منبع غذایی هزاران خانواده یمنی هستند.» همچنین چند دیپلمات ترکیه‌ای اعلام کردند که یک نفتکش متعلق به این کشور که در بندر رأس‌عیسی در استان الحدیده یمن پهلو گرفته بود، در نتیجه حملات سنگین جنگنده‌های آمریکایی به این بندر دچار آسیب شده است. شبکه خبری «المنار» لبنان نوشت، این منابع دیپلماتیک اعلام کردند: «در حال پیگیری این موضوع در بالاترین سطح هستیم.»

گفتنی است، جنگنده‌های متجاوز آمریکایی پنجشنبه شب در چهار نوبت منطقه رأس‌عیسی از جمله بندر نفتی رأس‌عیسی در استان الحدیده را هدف قرار دادند که در جریان ۷۴ تَن شهید و ۱۷۱ تَن دیگر نیز زخمی شدند. «علی حمود الموشکی»، نایب‌رئیس ستاد کل نیروهای مسلح، یمن گفته است: «حمله آمریکا به بنادر یمن صفحه سیاهی به تاریخ آکنده از خونریزی آمریکا می‌افزاید.» همچنین «آنتونیو گوترش»، دبیرکل سازمان ملل‌متحد، نگرانی عمیق خود را از این حملات هوائی نیروهای آمریکایی ابراز کرده است.

رسانه چینی: آمریکا شکست سختی خورده

سایت چینی «سوهو» در گزارشی نوشت که قدرت نظامی برتر واشنگتن در برابر «ارتش مردمی»(یمن) با توانایی‌های محدود، موفق نشد. به قول معروف سگی که گاز می‌گیرد هرگز پارس نمی‌کند. واقعاً قدرتمند صدایش را بلند نمی‌کند. با توجه به قدرت نظامی کنونی آمریکا، از نظر تئوری این امکان وجود دارد که رویارویی با ایران به نفع واشنگتن حل شود. با این حال، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا ابتدا بسیج نیروهای نخبه را برای مقابله با حوثی‌ها انتخاب کرد؛ استراتژیی که در ظاهر معقول به نظر می‌رسد اما رمز و رازهای بسیاری را در پس خود پنهان دارد. آمریکا دارای دو ناو هواپیمابر و گروه‌های ضربتی همراه آن‌ها در منطقه دریای سرخ است که توسط ناوگانی از ناوشکن‌ها و کشتی‌های اسکورت احاطه شده‌اند. علاوه‌بر این، واشنگتن تعداد زیادی از بمب‌افکن‌های رادارگریز B-۲ را از خاک خود منتقل کرده و آن‌ها را در پایگاهی در اقیانوس هند مستقر کرده است. این استقرار گسترده نظامی به وضوح علیه حوثی‌ها است. اما واقعیت، ضربه سختی به آمریکا زده است. با وجود بیش از یک ماه بمباران مداوم هوایی، حوثی‌ها تسلیم نشده‌اند. در عوض هر از چند گاهی حملات متقابلی را انجام می‌دهند. واشنگتن در لحظه مذاکره با تهران ترجیح داد جنگ خود را علیه حوثی‌ها آغاز کند. در حالی که این کار ممکن است شبیه نمایش قدرت برای وادار کردن ایران به پذیرش شرایط مذاکرات و اجتناب از جنگ مستقیم به نظر برسد اما این ترفند آمریکایی که با دقت طراحی شده بود به ثمر ننشست و در نهایت به یک شوخی و نمایش ساختگی تبدیل شد.

در چشم‌اندازی که از تحولات کنونی یمن می‌توان ترسیم کرد، یک حقیقت بیش از هر چیز آشکار است: موازنه قدرت نه براساس توان تسلیحاتی، بلکه بر محور تاب‌آوری، مشروعیت و درک از منافع شکل می‌گیرد. آمریکا، با وجود هزینه‌های کلان نظامی و حضور گسترده در آب‌های منطقه، در برابر جنبشی ایستاده که نه‌تنها زمین را ترک نکرده، بلکه میدان را به قلب استراتژیک‌ترین معابر تجاری و نظامی کشانده است. مقاومت یمن، اکنون نه یک بحران منطقه‌ای، بلکه به تدریج به نماد ناکارآمدی سلطه‌طلبی غرب بدل شده است؛ و آینده این نبرد، بیش از آنکه به پرتاب بمب و موشک وابسته باشد، به شجاعت ملت‌هایی گره خورده که اراده‌شان را با خون و ایستادگی مهر می‌کنند. و این همان نقطه‌ای است که امید است معادلات کلاسیک قدرت در برابر واقعیت‌های جدیدِ مقاومت از هم بپاشند. جایی که پهپادهای بومیِ یمنی از دلِ محاصره، پیام اقتدار می‌فرستند و پایتخت‌های دوردست را به تأمل در میزان اثرگذاری‌شان وامی‌دارند. یمن امروز، بیش از آنکه در جغرافیا تعریف شود، در ذهن ملت‌ها به‌عنوان الگوی مقاومت زنده است.

نگاه

روزی که استعمار آزادی‌خواه برزیل را تکه‌تکه کرد

امین‌الاسلام تهرانی

امروز ۲۱ آپریل برابر با ۱۱ اردیبهشت...

وقتی استعمار اروپا در قرون پانزدهم و شانزدهم، قاره تازه کشف‌شده آمریکا را به دو نیمه تقسیم کرد، آمریکای جنوبی سهم پرتغال و اسپانیا شد. در این تقسیم‌بندی سیاسی-کلیسایی که با «پیمان توردسیاس» در سال ۱۴۹۴ رسمیت یافت، برزیل زیر سلطه کامل پرتغال درآمد و تا بیش از ۳۰۰ سال، به عنوان مستعمره‌ای خاموش و بی‌صدا باقی ماند. پرتغالی‌ها با بهره‌کشی شدید از منابع طبیعی و نیروی کار بردگان آفریقایی، اقتصاد استخراج‌محور وحشتناکی را در برزیل شکل دادند. در قرن هجدهم، با کشف ذخایر عظیم طلا و الماس در ایالت «میناس گرایس»، سود ناشی از استعمار برزیل چند برابر شد، اما ساکنان محلی جز فقر، بی‌عدالتی و ظلم چیزی از آن ندیدند. مالیات‌های سنگین، انتقال مستقیم ثروت به لیسبون و تحقیر مردم بومی، بذر نارضایتی را در دل جامعه برزیل کاشت.

در همین بستر تاریخی و اجتماعی، شخصیتی ظهور کرد که استعمار را به مبارزه طلبید: «ژواکیم ژوزه دا سیلوا خاویِر»، ملقب به «تیراندنتس»، که از طبقه متوسط اما باهوش، خودآموخته و دارای گرایش‌های استقلال‌طلبانه و آزادی‌خواهانه بود. او که در ارتش سلطنتی خدمت می‌کرد و آشنایی با دانش دندانپزشکی و مهندسی نیز داشت، پس از مطالعه آثار «روسو»، «منتسکیو» و دیگر متفکران روشنگری، با اندیشمندان قرن هجدهم همدل شد، اما مسئله این بود که آنان متعلق به کشورهایی بودند که کشور او را مستعمره خود کرده بودند. به هر حال، تیراندنتس همراه با گروهی از نخبگان و افسران ایالت «میناس گرایس»، نهضتی با نام «Inconfidência Mineira» را بنیان نهاد. هدف آنها، تشکیل جمهوری‌ای مستقل و پایان دادن به استعمار بود. آنها شعار «آزادی یا مرگ» را سرلوحه قرار داده بودند و حتی پرچمی طراحی کردند که امروزه به عنوان پرچم رسمی ایالت میناس گرایس شناخته می‌شود.

در مارس ۱۷۸۹، طرح شورش آنها لو رفت. در حالی که برخی از همدستانش با ندامت‌نامه و اعلام وفاداری به تاج‌وتخت پرتغال نجات یافتند، تیراندنتس تمام مسئولیت را برعهده گرفت تا دیگران را نجات دهد. دادگاه استعماری پس از ماه‌ها بازجویی، او را به جرم طلب کردن حقوق مردم خودش به اشد مجازات محکوم کرد: «اعدام و قطعه‌قطعه شدن پیکر.» این حکم، نشانه شدت وحشت استعمارگران از شکل‌گیری موج‌های آزادی‌خواهی بود. در روز ۲۱ آپریل ۱۷۹۲ (برابر با ۲ اردیبهشت ۱۱۷۱ خورشیدی)، تیراندنتس در میدان عمومی شهر ریودوژانیرو دار زده شد. سپس سر او را در مرکز شهر «ویلا ریکا» نصب کردند و دیگر اجزای بدنش را به شهرهای مختلف فرستادند تا عبرتی باشد برای سایر مردم؛ اقدامی که یادآور مجازات‌های قرون وسطایی بود! این مسئله بسیار تأمل‌برانگیز بود و خواسته یا ناخواسته حامل پیام نمادینی از اروپایی‌ها برای مستعمره‌های خود: تمام عصر روشنگری و ره‌آورد آن برای ماست، نه برای شما، ما در مواجهه با شما غیرخودی‌ها همان جلادان عصر تاریکی هستیم! روشن است که با تکه‌تکه کردن پیکر این مَرد، آرمان‌هایش دفن نشد. خون تیراندنتس نهال مقاومت را در دل نسل‌های بعدی کاشت. گرچه استقلال برزیل سه دهه پس از آن و در ۷ سپتامبر ۱۸۲۲ (۱۶ شهریور ۱۲۰۱) به‌دست آمد، اما تاریخ‌نگاران او را «پیشگام استقلال» و «شهید راه آزادی» نامیده‌اند. دولت برزیل در قرن نوزدهم، چهره او را به عنوان قهرمان ملی به رسمیت شناخت، تصویرش را بر اسکناس‌ها چاپ کرد و روز اعدامش را به تعطیل رسمی بدل ساخت. حتی در دوران جمهوری‌خواهی برزیل (پس از ۱۸۸۹)، یاد و نام او پایه‌گذار اسطوره‌ای نوین برای هویت ملی شد.

امروز برزیل با جمعیتی فراتر از ۲۱۵ میلیون نفر، به عنوان یکی از پرجمعیت‌ترین کشورهای نیمکره جنوبی، هنوز هم نشانه‌های استعمار را در ساختارهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خود احساس می‌کند. شکاف‌های طبقاتی گسترده، تبعیض نژادی ریشه‌دار، و وابستگی‌های ساختاری به بازارهای جهانی، تنها بخشی از میراث تاریخی سه قرن سلطه پرتغال است. در این میان، سالروز اعدام تیراندنتس تنها یک آیین بزرگداشت نیست، بلکه فرصتی برای بازاندیشی در مورد ریشه‌های استقلال، معنای مقاومت، و بهای سنگین تغییرات اجتماعی است. تیراندنتس، به جای آنکه در خاطره تاریخی به عنوان یک قهرمان ملی بدل به یک شی تاریخی شود، می‌تواند به‌مثابه نمادی از گسست با نظم کهنه و رویارویی با ساختارهای فاسدِ موجود تحلیل شود. او نه‌تنها علیه یک حکومت بیگانه ایستاد، بلکه علیه نظمی شورید که مشروعیت خود را از منابع بیرون از اراده مردم برزیل می‌گرفت.

چشم آمریکا بر ثروت طبیعی پاکستان

پس از آنکه چین در ادامه جنگ تجاری با آمریکا صادرات عناصر معدنی کمیاب را محدود کرده تا صنایع این کشور را به چالش بکشد، نشریه آمریکایی حالا از چشم‌داشت دولت ترامپ به منابع معدنی پاکستان خبر می‌دهد.

گزارش‌ها حاکی است ترامپ بعد از مواد معدنی کمیاب اوکراین ظاهراً گوشه چشمی نیز به منابع معدنی پاکستان دارد و جنگ تجاری آمریکا با چین نیز مزید بر علت شده است. در حالی که مذاکرات دولت ترامپ با اوکراین سر دستیابی به معادن معدنی این کشور هنوز به نتیجه نرسیده گزارش فارن پالسی حاکی است که که مذاکرات نمایندگان آمریکا با دولت پاکستان در این زمینه آغاز شده است. این نشریه آمریکایی در گزارش خود در همین زمینه نوشته است: «اریک مه‌یِر، مقام ارشد دفتر امور جنوب و مرکز آسیا در وزارت امورخارجه آمریکا، چند روز پیش در صدر یک هیئت عازم اسلام‌آباد شد تا در اجلاسی با موضوع سرمایه‌گذاری در حوزه معادن شرکت کند. «مه‌یر» در نشست با «شهباز شریف»، نخست‌وزیر پاکستان گفت شرکت‌های آمریکایی مشتاق سرمایه‌گذاری در ذخایر معدنی بکر پاکستان هستند.»

به نوشته فارن پالسی این نشان‌دهنده میل و علاقه کلی‌تر تیم دونالد ترامپ به این حوزه است. این بحث و مذاکرات ۲ روز بعد از آن اتفاق افتاده که مارکو روبیو، وزیر امورخارجه آمریکا در یک گفت‌وگوی تلفنی با اسحاق دار، همتای پاکستانی، درباره تمایل واشنگتن به همکاری با اسلام‌آباد در زمینه منابع معدنی حیاتی سیگنال فرستاد. این نشریه آمریکایی می‌افزاید، به نظر می‌رسد که قانونگذاران کنگره آمریکا نیز سیگنال‌های مشابهی را درباره میل آمریکا به بهره‌برداری از منابع معدنی پاکستان می‌فرستند. «جک برگمان» رئیس مشترک کمیته پارلمانی پاکستان در مجلس نمایندگان ایالات متحده، اخیرا گفت که این حوزه می‌تواند یک «بخش کلیدی» در شراکت با پاکستان باشد. برگمان هفته گذشته سفری را به اسلام‌آباد در چارچوب اولین هیئت مقام‌های کنگره آمریکا که از سال ۲۰۲۳ به این سو به پاکستان سفر کرده، داشت.

۸ تریلیون دلار ارزش معادن پاکستان

گزارش فارن پالسی حاکی است ذخایر معدنی پاکستان شامل منابع بزرگی از مس و طلا و همچنین مواد معدنی مهم دیگری نظیر لیتیوم بوده و برآورد شده که سطح آن به حدود ۶۰۰ هزار کیلومتر مربع می‌رسد، یعنی مساحتی معادل ۲ برابر بریتانیا. در حالی که ارزش فعلی ذخایر معدنی پاکستان ۸ تریلیون دلار برآورد می‌شود، اسلام‌آباد از خیلی وقت پیش به داشتن این ثروت معدنی مباهات کرده اما در عین حال از بابت یافتن سرمایه‌گذارانی که مشتاق بهره‌برداری از این ذخایر باشند به مشکل برخورده است. فارن پالسی معتقد است که «در این وضعیت ابراز علاقه دولت ترامپ به چنین سرمایه‌گذاری‌هایی می‌تواند برای اسلام‌آباد مهم باشد. اما از سوی دیگر چشم‌انداز همکاری اسلام‌آباد و واشنگتن در زمینه ذخایر معدنی با ریسک‌های امنیتی جدی نیز روبه‌رو بوده و این ریسک‌ها باعث می‌شوند که این همکاری و شراکت تبدیل به یک قمار خطرناک برای طرفین شود.» این نشریه آمریکایی تحلیل کرده است: «منابع معدنی ظاهرا ممکن است یک نقطه شراکت مطلوب در روابط آمریکا و پاکستان که در پی خروج نظامیان ایالات متحده در سال ۲۰۲۱ از افغانستان، نقاط شراکت چندانی را پیدا نکرده، به نظر برسد. این در حالی است که در مقابل علاقه شدید دولت ترامپ به یافتن منابع معدنی کاملا شناخته شده است. تصمیم اخیر چین به منظور معلق کردن صادرات مواد معدنی کمیاب می‌تواند انگیزه مضاعفی به ایالات متحده با هدف یافتن فرصت‌های معدنی در پاکستان بدهد»

چالش‌های امنی